



وقفنامه قنات ناصریه دولتخانه (باغشاه)

پدیدآورده (ها) : کریمیان، علی
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1381 - شماره 45 و 46
از 95 تا 110
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92370>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 16/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



وقفنامه قنات ناصریه دولتخانه (باغشاه)

علی کریمیان

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (۱)

در فرهنگ غنی ایران، آب همیشه جایگاه برجسته‌ای داشته است. زیرا خصوصیات جغرافیائی کشور، صراحت دارد که ایران از لحاظ آب، در شمار سرزمینهای خشک و کم آب جهان است. همین دوواژه «خشک و کم آب» اهمیت حیاتی بودن این عنصر ارزشمند را آشکار می‌سازد. لذا در سرزمینی چون ایران، که قسمت عمده آن را، کویر و کوهستان تشکیل داده. هر قطره آبی که از آسمان فرو می‌ریزد یا از دل خاک بر روی زمین جاری می‌شود، برای مردم این مرز و بوم، آبادانی، زندگی، دد و دام و وحوش و پرندگان، بسیار حیاتی و ارزشمند است. به همین جهت، آب، در طول تاریخ، همیشه یک مسئله مهم اقتصادی، اجتماعی برای کشور ما بوده است (۲) و به علت کم آبی، کشور، در گذشته به وسیله آب انبارها، قناتها، چاهها، چشمه ها و نظایر آن، سیراب می‌گردید. (۳)



مشکل آب تهران

موضوع کم‌آبی در شهر تهران، از بدو انتخاب آن به عنوان پایتخت، مشکلاتی برای ساکنان شهر فراهم می‌کرد. اگرچه شهر تهران در ایام گذشته، بدین وسعت و دارای این جمعیت نبود، ولی مشکل کم‌آبی بخصوص در فصل تابستان، هر ساله کم و بیش موجود بود؛ مخصوصاً در محلات جنوب تهران. (۴) با این حال بر اثر توسعه روزافزون شهر و ازدیاد نفوس و ترقی سطح زندگی، طبعاً حوائج و احتیاجات عمومی شهر، روز به روز بیشتر می‌شد و یکی از مسائل موردنظر، تامین آب کافی برای ساکنین بود. (۵) به همین سبب، در اواسط سلطنت محمدشاه قاجار، که تهران، بیش از پنجاه هزار نفر جمعیت نداشت و از حیث وسعت، خیلی کوچکتر از امروزه بود. حاجی میرزا آقاسی (۶) دو نهر بزرگ از رودخانه کرج جدا کرد و به تهران آورد؛ یکی، نهری است که از مسیر دامنه البرز عبور می‌کرد و از شمال فریه طرشت (۷) گذشته، به عباس آباد منتهی می‌شد. از این نهر، به موجب مدارک صحیح، نه سهم رودخانه، حفایه (۸) تهران از رودخانه کرج بوده است. پس از برچیده شدن بساط قدرت و قوت حاجی میرزا آقاسی، این شریان حیاتی، قطع و جریان آن به تهران متوقف گردید. دومی، نهری است که از زیر جاده قدیم تهران، قزوین گذشته و به فریه یافت آباد، که از ساخته‌های حاجی میرزا آقاسی است، می‌رسید و به همین اسم، موسوم و دایر بود. (۹) مدتی گذشت و آب مصرفی تهران، با چند رشته قنات و قفی و قنات شاه، که آن هم وقف است، در نهایت ذلت و سختی تامین می‌شد تا آنکه میرزا عبسی وزیر (۱۰) شهر را توسعه داد. او، خطر تشنگی پایتخت را بخوبی احساس کرد و با وجود اینکه قدرت مالیش به واسطه حفر خندق تمام شده بود، معذک به هر وسیله‌ای که بود، قنات بسیاری حفر نمود. در اواخر دوره ناصرالدین شاه نیز، چند نفر خارجی موفق به اخذ امتیاز حفر جاهای آرتزین گردیدند و در شمال مشغول شدند، لیکن متعجبانه شکست و به علت نبودن راه شوسه و اشکالات فوق‌العاده، که برای حمل و نقل آلات و ابزار فراهم نبود پس از تحمل خسارات، از تعقیب مقصود مایوس و متصرف شدند. (۱۱) بدین ترتیب، کماکان آب مصرفی اهالی تهران، به وسیله قنات‌ها و آب انبارها، چاه‌ها، رودخانه‌ها، نهرها و جویهای غیر بهداشتی و کثیف، تامین می‌شد. آب، در جویها و نهرهای آزاد عبور می‌کرد و فشاری نداشت تا به سطح بالاتر از مسیر خود برسد. از این رو، ساختمان خانه‌ها را دو، سه پله پایین‌تر از سطح کوچه بنا می‌کردند، تا آب سوار بشود. از کوچه هم آب را به وسیله تنبوشه (تنبوشه) یعنی استوانه‌های ده، دوازده سانتیمتری سفالینی که داخل هم جفت می‌شد و با گل آهک‌زده آبندی می‌گردید، به سر حوض و آب‌انبار می‌رسانیدند. گاهی برای هر یک از آنها، مجرایی جداگانه می‌کشیدند یا یک مجرا به پای حوض آورده، از آنجا توسط حوضچه‌ای، مجراهای حوض و آب‌انبار را جدا می‌کردند. با بستن در یک مجرا و گشودن در مجرای دیگر، کار صورت می‌گرفت. در جلو راه آب کوچه، با حدود بیست سانتیمتر فاصله از جوی، پنجره‌ای کار گذاشته می‌شد تا اولاً مانع ورود آشغال به داخل شود، ثانیاً مجرایشان در لج و لجن‌های همسایگی، کور نشود یا نتوانند گونی، کهنه، آجر و... در آن فرو کنند. کار دیگر صاحبخانه‌ها، علاوه بر ملاحظه پاکیزگی، خرابی آب و باز کردن و بستن در راه آب و جلوگیری از باز ماندن راه آب و غیره، تمیز نمودن آب بود که پس از آبیگری، با غریب و سرند، اول آشغال و زواید روی حوض و احیاناً روی آب‌انبار را می‌گرفتند. سپس کمی خاکستر، مقداری آهک، بادیه‌ای ذغال و کاسه‌ای سرکه در آن می‌ریختند و می‌گفتند اینها، هم لظت آب را می‌گیرد هم قاری و گل آلودی آن را بر طرف می‌سازد و هم آن



و برای خوردن، پاکیزه و گوارا می‌کند. (۱۲)

آب تهران از نگاه چند سفرنامه‌خارجی

یکی از این سفرنامه‌ها، سفرنامه اولیویه است. وی، در زمان تغییر سلطنت از آقامحمدخان به فتحعلی شاه، به ایران آمد. او، در این سفرنامه، ضمن بررسی اوضاع ایران، درباره وضعیت آب تهران، نوشته است: «... علاوه بر ناسازگاری هوا، بدی آب است که در مذاق، طعم آب مردابها را دارد. این از بابت اهمال در تنقیه قنات و مجاری آبهاست که دوست پاک نمی‌کنند. عموماً آبهای ایران، ملین و غیرهاظم است. آب تهران نیز، چنین می‌باشد... آب تهران، تمامی از جانب کوه البرز می‌آید و فراوان است.» (۱۳)

سفرنامه دیگر، سفرنامه اس. جی. دبلیو پنجامین، تحت عنوان «ایران و ایرانیان» (عصر ناصرالدین شاه) است. وی، در زمستان ۱۸۸۲ تا سال ۱۸۸۳ م، به عنوان نخستین سفير آمریکا در ایران منصوب شد و پس از پایان دوره مأموریت، به کشورش بازگشت و دو سال بعد، شروع به تدوین خاطراتش کرد. او نیز، ضمن بررسی اوضاع ایران در زمان مأموریتش، درباره آب تهران، مطالبی نوشته که در ذیل می‌آید:

«سیستم تامین آب تهران و شهرهای دیگر ایران، جالب توجه و در عین حال مشابه یکدیگر است. قبل از هر چیزی، باید گفت که در دنیا، کمتر کشور

متمدنی پیدا می شود که به اندازه ایران، دچار کمبود آب و چوب باشد، و طبیعت، از این نظر به ایران خیلی ظلم کرده است و یک نفر خارجی با این کمبود آب و قتی حوضها و استخرهای پر از آب را در تهران مشاهده می کند، دچار تعجب می شود. فصل زمستان، که معمولاً کوتاه و زودگذر است، باران و یوب کمی در تهران می بارد که محصول غله و رامین، که باید خوراک اهالی تهران را تامین کند، بستگی به مقدار این بارندگی دارد. در بقیه اوقات سال، اصلاً بارندگی نمی شود؛ مگر در قله کوهها و ارتفاعات. حال سوالی که در اینجا پیش می آید، این است که در این صورت، آب چگونه تامین می شود؟ باین سوال، بسادگی نمی توان جواب داد که با حفر چاه، زیرا با کمی بارندگی، چاهها، باید خیلی عمیق باشند تا به آب برسند. در هر حال، برفهای کوهها، بتدریج آب شده و نهرهای کوچکی تشکیل می دهند که از کوهها سرازیر می شود و یاد زمین فرو می رود و به شکل چشمه و منابع زیرزمینی درمی آید. آب این چشمه ها و منابع زیرزمینی را، که در اعماق کمی از دامنه های کوهها قرار دارد، به وسیله سیستم قنات به شهر می رسانند. قناتها، مجاری زیرزمینی هستند که در هشتاد یارد فاصله، چاهی در مسیر آنها کنده اند که به وسیله این چاهها، آب آنها را به طرف شهر هدایت کرده و در صورت لزوم، مجرای آب را لایروبی می کنند. خاک این چاههای قنات را، در اطراف دهانه آنها می ریزند و بدین ترتیب، خاکریزهایی به فواصل معین از یکدیگر، به وجود می آید که مسیر قنات را مشخص می کند... آبی که بدین ترتیب به دست می آید، البته گرانست و شهرتشان، باید آن را برای شرب یا مصارف دیگر، بخرند و هر ماه مبلغی بابت آن پرداختند. تهران، در حال حاضر دارای سی و چهار رشته قنات است که با تحمل مشقت و کار زیاد، آنها را ساخته اند. (۱۴)

سفرنامه دیگری که مطالبی درباره آب تهران نوشته، سفرنامه دکتر جان ویشارد است. او، در بین سالهای ۱۳۰۹ تا ۱۳۲۸ ق.، به عنوان مؤسس مریمخانه آمریکائی در تهران و سالها به عنوان سرپرست آن، در ایران مشغول کار بود. سپس کتابی تحت عنوان «بیست سال در ایران» تدوین کرده، و در این کتاب، ضمن بر سردن فعالیتهای خود، به بررسی اوضاع ایران آن عصر پرداخته؛ از آن جمله، درباره آب تهران نوشته است: «حوضچه هایی که در آن یخ تهیه و نگهداری می شود، اغلب پر از کفاتهات است و بالطبع، منبع انواع و اقسام بیماریهای مختلف است. کمتر اروپائی شجاعی پیدا می شود که جرئت نوشیدن شربت و سایر نوشیدنیهایی که با آب نجوشیده و یخهای حوضی تهیه شده، به خورد بدهد.» (۱۵)

قناتهای تامین کننده آب تهران

در دوره قاجار، توسعه تدریجی پایتخت، افزایش جمعیت، پیدایش شهرهای جدید و فقدان آب پاک، باعث شد که افرادی قناتهایی، عمدتاً به صورت وقتی، در تهران حفر کنند. اعتمادالسلطنه، قنات و چاههایی که تا زمان تألیف کتاب المآثر و الآثار (چهل سال از دوره سلطنت ناصرالدین شاه) در تهران توسط ناصرالدین شاه، درباریان و مردم حفر شده، بتفصیل آورده است: «قنات و میاهی که در ظرف این چهل سال از سلطنت بی زوال در دارالخلافه تهران جریان یافته، بعضی از قرار تعداد و نسبت ذیل است: قنات نواب فیروز میرزا نصرت الدوله فرمانفرما، قنات جناب مخبرالدوله، قنات مرحوم ظهیر الدوله، قنات مرحوم علاءالدوله امیرنظام، قنات ناصری، قنات جناب میرزا عیسی و قنات حسن آباد جناب مستوفی الممالک (۱۶). اما بتدریج، تعداد قناتهای تهران، به چهل و هشت رشته قنات وقتی و خصوصاً افزایش یافت

که تعدادی از آنها، با مرور زمان خشک و یا به منظور زراعت، منحرف شدند و تفسیر کاربری یافتند؛ به طوری که در اواخر دوره قاجاریه، فقط بیست و شش رشته آن، آب مصرفی شهر را تامین می کرد. آب این قناتها، در حدود ۶۰ الی ۷۰ سنگ (۱۷) (۷۵۰ لیتر در ثانیه) بود. مولف کتاب «یادبود افتتاح تاسیسات آب تهران»، از قناتهای جاری مذکور در تهران، بتفصیل یاد کرده است که در این مقال، جز دو قنات ناصریه دولتخانه و قنات مهرگرده، که در وقتنامه و اسناد بیوست آمده است، مابقی آنها، به اختصار آورده می شود. مهمتین این قناتها، عبارتند از:

۱. قنات الهیه (۱۸): از اراضی حشمیه، به طرف جنوب غربی سرازیر می شد؛ در خیابان گرگان، به عمق ۵ متر جریان پیدا می کرد. سپس در پارک امین الدوله ظاهر می شد. بده (۱۹) آن، در حدود یک سنگ بود. (۲۰)
۲. قنات بهاءالملک و ناصرالملک، از اراضی باغ صبا (۲۱) سرازیر می شد؛ از نیش باغ پروتویا گذشته، از زیر امجدیه (۲۲) رد می شد. مظهر (۲۳) قنات، در باغ بهاءالملک بود و بده آن، در حدود یک سنگ بود. (۲۴)
۳. قنات بهارستان، از حشمیه، به طرف خیابان نظام الملک جاری بود و در نظامیه ظاهر می شد. بده قنات مزبور، در حدود ۷۵ سنگ بود. (۲۵)
۴. قنات بریانکه: از شرق بیمارستان بانصد تختخوابی عبور کرده، تا باغ شاهزاده حسام الدوله و مظهر آن، در کوچه و دوخانه بود. بده آن، در حدود

میرزا ظاهر مستوفی





نهر جدا شده از رودخانه کرج شهر کرج

ده سنگ می باشد. (۲۷)

۵. قنات پامنار داز میدان تیرانداز پامنار شروع و در شمال شرق نمایندگی تجارتی شوروی، ظاهر می شد. ظاهر آچون قنات، لایروبی نشده بوده، آب آن قابل توجه نبوده. (۲۸)

۶. قنات جلالیه (۲۹): از سمت شمال غرب سرانیز شده، خیابان امیرآباد (۳۰) را در حدود ۲۵۰ متری شمال خیابان کارگر شمالی قطع کرده و در حدود ۴۰ متری شرق خیابان مذکور، به محاذات خیابان کارگر، به سمت خیابان جنوب منحرف می شده و نهر کرج (بطوار کشاورز) را قطع کرده، در شمال غربی دانشگاه، ظاهر می شد. بده آن، در حدود یک دوم تا سه چهارم سنگ متخیر است. (۳۱)

۷. قنات حاج علی رضا، یا آب سرچشمه که معروفترین قنات تهران به شمار می رفت و از زمان فتحعلی شاه، حفر شده بود. حاج میرزا علی رضا، فرزند حاج ابراهیم کلانتر شیرازی بود که چون اولاد و احفادی نداشت، برای خیرات و میراث، قنات سرچشمه را که بعدها به نام حاج علی رضا نامیده شد. حفر نمود و آنگاه املاکی را برای مصارف آن وقف کرده و تولیت آن را به برادر و اولاد خود قرار داد. (۳۲) قنات مزبور، از اراضی شمال قصر سرچشمه گرفته و دورشته می شد. یک رشته آن در جنوب سرچشمه و رشته دیگر آن، در خیابان مولوی ظاهر می شد. بده این قنات، در حدود شش سنگ بود. (۳۳)

۸. قنات سردار (۳۴) پیشتر به نام «آب سردار» معروف است و هنوز هم جریان دارد. این قنات، در امتداد نارمک پائین آمده، سپس به آسیاب سردار رفته، آسیاب مزبور را چرخانده، با عمق ۸ متری، خارج می شد. سپس خیابان آسیاب سردار را قطع کرده (در این نقطه مجرای کرج را قطع و از زیر آن عبور می کند) وارد خیابان نارمک می شود و در امتداد خیابان مزبور سرانیز گشته، سپس در امتداد غرب کوچه واحدی، آسیاب پایین رفته، وارد آسیاب والی می شود و با عمق ۸ متر از آن خارج شده و در امتداد سابق، به طرف جنوب سرانیز و خیابان در بند را، در عمق بیش از چهار متر قطع می کرد. سپس در محل تلاقی با خیابان زرین نعل، دورشته می شد. یک رشته به طرف جنوب غربی می رفت و در خیابان ایران ظاهر می شد. رشته دیگر، در امتداد خیابان زرین نعل به طرف شرق می رفت و مظهر آن، در خیابان زاله (شهید) بود. بده قنات مزبور،

در بهار بین ۵الی ۶سنگ و در پائیز ۴الی ۴/۵سنگ در نوسان بود. (۳۵)
 ۹. قنات سفارت انگلیس: از اراضی قول قلمه سرانیز شده، بالای نهر کرج، خیابان پهلوی را قطع کرده، به محاذات خیابان نامبرده، به فاصله ۴۰ متری شرق آن، به طرف جنوب سرانیز می شود. کوچه شقاقی را به عمق ۱۱ متر قطع کرده و از طریق خیابان بهجت آباد، وارد اراضی دبیرستان الیز شده، و در سفارت انگلیس ظاهر می شد. بده آن، در حدود یک دوم الی سه چهارم سنگ است. (۳۶)

۱۰. قنات سفارت روس (۳۷): سرچشمه آن، دورشته است که یک رشته از اراضی آبشار و یک رشته دیگر، از اراضی امیرآباد به طرف تهران سرانیز می شد و در محلی در امتداد شمال خیابان یوسف آباد (سیدجمال الدین مسد آبادی) و جنوب شرقی یخچال بهجت آباد، به هم متصل شده، به سمت جنوب شرق متمایل می شد. سپس در خیابان ویلا (شهید استاد نجات الهی) قطع و به عمق ۲ متر در شمال غرب سفارت روس، ظاهر می شد. بده آن، در حدود دو سنگ بود. (۳۸)

۱۱. قنات امین الملکی: از اسماعیل آباد شهریار شروع شده، به طرف شرق به محاذات جاده قزوین به تهران می آید. از شمال کوچه زورخانه گذشته، وارد خیابان هفت چنار شده و در نهایت، در امتداد کوچه سعادت، خیابان مولوی را قطع می کرد و در شمال آن، ظاهر می شد. بده آن، در حدود دو سنگ بود. (۳۹)

۱۲. قنات کریم آباد: از آسیاب دوم فرمانفرما گذشته، به طرف شرق می آید. به محاذات جاده طرشت، از زیر اراضی و منازل شمال آن گذشته و نرسیده به خیابان نواب، به سمت شرق متمایل می شود و در نهایت، به خیابان باستور و بعد به طرف جنوب سرانیز می گردد و در شمال خیابان سپه، به عمق ۴ متر، به طرف شرق می رود و وارد دانشکده افسری شده، ظاهر می شود. بده آن، در حدود ۲/۵ الی ۳ سنگ است. (۴۰) امیرزا طاهر بصیر الملک، در خاطرات روز شنبه، غرة جمادی الثانی ۱۳۱۱ق، درباره این قنات، نوشته است: «... رفته منزل امین السلطان، آنارون بودند. بعد از ساعتی صاحب جمع، بیرون آمدند. صحبت قنات کریم آباد بود، نوشته ای که استاد رجبعلی داده بود، دادم به صاحب جمع. بعد امین السلطان، بیرون آمدند. غرة رقتن به باغات راه، به ایشان گفتم. گفتند: شما بروید. اگر از دفتر آمدند، من پیغام به وزیر دفتر می دهم که حساب سیمان راه و روز سه شنبه فرار بدهند...» (۴۱)

۱۳. قنات کوشه (فرمانفرما): قنات فرمانفرما، در سال ۱۳۰۰ق، در سمت غربی یابخت، احداث و دایر و جاری شد (۴۲). این قنات، از اراضی کن سرچشمه می گیرد. پس از گذشتن از طرشت، در نتیجه عبور از تنوره آسیاب دوم فرمانفرما، عمق آن زیاد شده، در امتداد شمال خیابان طرشت به سمت شرق، به فاصله ۲۰ متری شمال خیابان، سرانیز می شود. در مقابل مسجد تولوگر، وارد خیابان طرشت شده، در محل تلاقی خیابان طرشت و حشمت الدوله، به خیابان اخیر وارد می شود و از پیاده رو جنوب خیابان حشمت الدوله گذشته، خیابان ۳۰ متری را قطع می کند و ادامه یافته تا مقابل کوچه بیهقی (به عمق ۴ متر) به سمت جنوب منحرف شده و در محل تقاطع کوچه عنصری و خیابان باستور، ظاهر می شود. بده آن، در حدود ۶ سنگ می باشد. (۴۳) در خور توجه است که آب این قنات، قنات شاه و قنات حاج علی رضا، از جمله آبهای خوب و سبک تهران به شمار می رفت. (۴۴)

۱۴. قنات مخصوص: از اراضی داودیه سرچشمه گرفته، به سمت جنوب غربی جریان پیدا می کرد و در خیابان باستور، وارد قصر سلطنتی گشته و مظهر آن، در کاخ بود. بده آن، در بهار ۷الی ۸سنگ و در پائیز، به یک سنگ کاهش

می یافت. (۴۵)

۱۵. قنات علاءالدوله: از شمال شرقی تهران سرچشمه گرفته، از اراضی باغ صبا و خیابان بهار گذشته، وارد کوچه ملک الشعرا می شود و در امتداد شرق پائین آمده، خیابان روزولت (خیابان شهید مفتاح) را قطع کرده، در فاصله ده متری شرق لانه زار نو، خیابان شاه رضا را نیز قطع می کند و در مقابل چهارراه کنت، به سمت غرب می رود و از پیاده رو غربی به طرف جنوب آمده، خیابان اسلامبول را قطع می کند و در اول کوچه خندان، در منازل ظاهر می شود. بده قنات (۴۶) مزبور در بهار در حدود الی ۷۵ سنگ و دو پائین، ۱۵۰ سیر بوده. (۴۷)

۱۶. قنات مهدی آباد (سفارت آمریکا): از اراضی باغ صبا سرچشمه گرفته و دو قسمت می شد؛ یک قسمت آن در بیمارستان شماره ۲ ارتش ظاهر می شد و قسمت دیگر آن، وارد سفارت امریکا شده، آفتابی می شد. بده قنات مزبور، ۷۵ الی ۳ سنگ بود. (۴۸)

۱۷. قنات تحف آباد: از جنوب اراضی طرشت سرچشمه گرفته، خیابان خوش را در جنوب خیابان مرزقوی قطع می کرد. سپس وارد منازل شده و به طرف جنوب شرق آمده، عاقبت به منازل جنوبی خیابان مولوی (واقع بین محمدیه و کوچه مقابل وزیر نظام) را مشروب می کند و یک شعبه آن، در میدان قزوین به محاذات خیابان سی متری، از منازل غربی خیابان مزبور گذشته، در مقابل کوچه قنات ظاهر می شد و بده آن، ۲ سنگ است که قبل از آن، تا ۱۰ سنگ

نیز، بوده. (۴۹)

۱۸. قنات نظامیه: از شمال شرقی تهران سرچشمه گرفته، به طرف خیابان نارمک آمده، در غرب خیابان نارمک، داخل منازل گشته و عاقبت در جنوب میدان بهارستان ظاهر می شد. بده قنات مزبور، در حدود یک سنگ بود. (۵۰) این قنات نیز، وقفی است. (۵۱)

۱۹. قنات یوسف آباد و بهجت آباد: از یوسف آباد به طرف شرق آمده، پس از آبیاری درختان جاده شمیران، به هم وصل شده و در قسمتهای شمالی بهجت آباد و یوسف آباد، مصرف می شدند. بده مجموع آنها، در حدود ۱۰ سنگ بوده است. (۵۲)

۲۰. قنات مبارک آباد و مخلص آباد: قنات مبارک، در یانصد ذرع قنات حسین آباد و تا قنات علی شاهی، سیصد ذرع بوده (۵۳)، نصف آن، در مقابل زندان قصر آفتابی می شود؛ نصف دیگر، در مبارک آباد و مخلص آباد ظاهر می شود. (۵۴)

۲۱. قنات شهاب الملک: مظهر آن، فعلاً در عشرت آباد و قصر بوده است. (۵۵) گویا این، همان قنات نظام اندونه باشد! (۵۶)

۲۲. قنات اکبر آباد: از دره فرحزاد سرچشمه گرفته، به طرف جنوب جاری می شد و مظهر آن، در کوچه گلزار بوده. (۵۷) بده آن، یک سنگ بوده. (۵۸)

۲۳. قناتهای صفر آباد و جمشیدیه: در جمشیدیه، به مصرف آبیاری و

دورنمای منظر هوایی تهران و کوه های البرز از طرف دروازه شمیران در دوره ناصری





شماره	نوع قنات	نام قنات
۱	قنات شاه (اصول)
۲	قنات کور
۳	قنات کور
۴	قنات کور
۵	قنات کور
۶	قنات کور
۷	قنات کور
۸	قنات کور
۹	قنات کور
۱۰	قنات کور
۱۱	قنات کور
۱۲	قنات کور
۱۳	قنات کور
۱۴	قنات کور
۱۵	قنات کور
۱۶	قنات کور
۱۷	قنات کور
۱۸	قنات کور
۱۹	قنات کور
۲۰	قنات کور
۲۱	قنات کور
۲۲	قنات کور
۲۳	قنات کور
۲۴	قنات کور
۲۵	قنات کور
۲۶	قنات کور

شهباز	شهر پور
شمیران	اکثر شریعی
بوذرجمهری	۵ اهرارد

تخت جمشید	آینا	طالبان
پهلوی	ولپسیر	
نادری	جمهوری اسلامی	

مرکز تحقیقات و نقشه قنات تهران

شده، از زیر اداره دارائی ارتش گذشته، در مقابل ضلع شمال غربی شهر بانی، خیابان ثبت را قطع کرده و وارد شهر بانی و ثبت استاد شده، در محل تلاقی خیابان موزه و پیرمک، وارد خیابان موزه شده، سپس از زیر بانک سپه گذشته، خیابان سپه (خیابان جمهوری اسلامی) را قطع می نمود و در قورخانه ظاهر می شد و از آنجا، انشعاباتی جدا می شود که با عمقهایی در حدود ۱ تا ۲ متر، خیابان خیام و ارک و قسمتی از بازار را مشروب می کرد، بده آن، در حدود ۱۰ سنگ بود. (۶۱)

گو یا چندین بار این قنات، لایروبی شده و در اسناد و خاطرات، مطالبی درباره آن بیان گردیده، بصیرالملک شیبانی، در ذیل خاطرات روز شنبه پانزدهم جمادی الثانی (۱۳۰۱ق)، آورده است: «با حاجی میرزا حسین و حسین خان، رفتم سر قنات شاهی و قنات اسب دوانی، تا پیشکار رفتم، عصر مراجعت آکر دیم، و در خاطرات سه روز بعد (هجدهم جمادی الثانی)، نوشته است: «استاد اسماعیل، گفت: قنات شاه، قالب جاده بیاید، عیبی دارد؟ همه، گفتند: خیر، گفت: «اینجا که آمدیم، خیر می گتم، آن وقت بیایند، ببیند.» (۶۲) وی همچنین، در خاطرات خود، به تاریخ سه شنبه بیست و یکم جمادی الثانی ۱۳۰۲ق، نوشته است: «امروز باران شدید آمد... من، شب رفتم به خیابان امین السلطان؛ با

سر بازار خانه می رسید. (۵۹)
 ۲۲. قناتهای صدقیه، شاهی و رحمت آباد: مقله آنها، تعمیر داده شد و به مصرف زراعت می رسیدند. (۶۰)

۲۵. قنات شاه: از اراضی طرفت به طرف شرق آمده و در امتداد شمال خیابان شکوفه، خیابانهای سلسبیل، تراب، حاقانی و خیابان غربی دانشگاه جنگ را قطع کرده، از زیر دانشگاه جنگ گذشته، خیابان پشت دانشگاه را قطع و از زیر مدرسه نظام عبور کرده، خیابان ۳۰ متری را در جنوب میدان پاستور قطع می کرد و در امتداد ۳۰ متری پاستور ادامه یافته، کویچه منصور (در این قسمت قنات کریم آباد را قطع و از زیر آن می گذرد) و خیابان کاخ (خیابان فلسطین) را قطع می کرد و وارد قصر سلطنتی شده، سپس خیابان پهلوی (ولیعصر) را قطع می نمود و در جنوب خیابان جامی، داخل منازل ادامه یافته و در مقابل خیابان قابوس، وارد خیابان شده، در مقابل خیابان رازی، وارد منازل جنوب خیابان جامی شده، در برابر خیابان استخر، وارد خیابان جامی شده و خیابان شاهپور را در چهارراه عزیزخان قطع و داخل خیابان سوم اسفند (خیابان شهید سخانی) شده، در امتداد آن ادامه یافته، خیابان قوام السلطنه سابق را قطع و تا مقابل در و زوالت جنگ، ادامه می یافت، سپس به عمق ۴ متر، به طرف جنوب منحرف

معمارباشی سوار بنده، رفته بودند سرفنات شاه و آب، نوی فنات افتاده بود. (۶۳)

فنات ناصریه

همان صور که گفته شد، در عصر ناصری، تعدادی از درباریان، اقدام به حفر چند رشته فنات وقفی و اختصاصی کردند که از آن جمله، می توان از فنات عین الدوله، فنات سردار، فنات مستوفی الملک، فنات علاءالدوله، فنات سیهسالار و فنات امین الدوله، نام برد. (۶۴) ناصرالدین شاه نیز، پس از اقدام به جاری کردن فنات ناصریه، آن را در ربيع الاول سال ۱۲۷۳ق. وقف کرد. محمدرضا لسان الملک سپهر، در جز، چهارم «تاریخ انوار»، این وقفنامه را به ایجاز آورده است. او، قبل از پرداختن به محتوای وقفنامه، در ابتدای آن، نوشته است: «فنات جدید، که به فنات ناصریه نامیده و ایش به حد وزارت رسیده، جاری فرموده و موقوف داشته و وقفنامه آن را مثال کرده و من بنده، خلاصه صورت منشور وقفنامه را، مرقوم می دارم که اگر آن صفحه، محو یا مفقود شود، صورت آن، در این کتاب بماند؛ دیگرگون ساختن، نتواند». (۶۵)

واقف، هدف خود را از احداث، مصرف عواید، شیوه تقسیم آب در بین محلات و تولیت بتفصیل مرقوم داشته که، اسوده آن، به طور کامل در این مقاله خوانند آمد و در اینجا، برای پرهیز از اذتاب کلام، فقط به چند سطر از وقفنامه، که نجات واقف، در آن بیان گردیده، به اختصار می پردازیم:

«... چون اغلب معاش و آداب دین مسلمین، متوط به کفایت آب و این وسیله، بهترین اسباب وصول ثواب است و فنوات قدیمه در الخلافه، به اکثریت و فراوانی است، هر یک از آنها، نظر به تزیین نمودن ناس و تضاعف آبادی و اساس واحداث مساجد و مدارس و حمامات و عمارات جدید البینان، چنانکه باید کفایت برای رفع حوائج مسلمین، خاصه اهالی محلاتی که از منابع فنوات و مجاری میاه، قدری دور دست افتاده اند، نداشت، لهذا در این اوان حجه نشان، فنات جدید مسمی به ناصریه دولتخانه، به حکم جدید همایون خسروانی، از جانب غربی در الخلافه، احداث و اجرا شد... بدین موجب، وقف مساجد و مدارس و حمامات و محلات شهر، فرمودیم... (۶۶) آب این فنات، به چهارده طاق و طبق صورت تقسیمنامه هفتگی، به محلات مذکور در وقفنامه، تقسیم می گردد». (۶۷)

مادر چاه فنات ناصریه، در غرب تهران قرار داشت و مجرای آن، از غرب تهران شروع می شد. خیابان سلسبیل را قطع می کرد و به طرف شرق می رفت و خیابانهای نواب و خاقانی و خیابان غربی دانشگاه جنگ سابق (دافوس) را قطع کرده، در باغشاه ظاهر می شد؛ (۶۸) و بده آن، در حدود یک سنگ بود. (۶۹)

فنات مهرگرد

فنات مهرگرد، دارای دو سرچشمه بود که یک رشته آن، از ۲۰۰ متری شمال آب کرج خیابان پهلوی (ولیعصر) شروع شده، به طرف جنوب شرق می آید و یک رشته دیگر، از زیر اراضی استخراج بهجت آباد (۷۰) شروع می شده، به طرف جنوب غرب می آمد. این دو رشته، در صد متری شمال خیابان بهجت آباد و ۴۰ متری خیابان شاهپور (خیابان وحدت) به هم متصل شده، به مجازات خیابان شاهپور (خیابان وحدت)، به فاصله ۴۰ متری غرب آن، به طرف جنوب می رفت. خیابانهای بهجت آباد و تحت جمشید (خیابان آیت... طالقانی) و دارپوش سابق و اراضی دبیرستان البرز را قطع کرده و خیابان شاهرضا را نیز، در ۳۰ متری غرب میدان قطع نموده و به طرف جنوب شرق متمایل



برج عمارت باغشاه در سال ۱۳۲۴ ق.

شده، در گوشه نیش خیابان شاهپور و ارتفاع، خیابان شاهپور را قطع کرده و از گوشه شمال غربی دیوار سفارت روسیه، وارد آن شده و از ۳۰ متری غرب خیابان قوام السلطنه، از سفارت خارج شده و خیابان چرچیل (خیابان نوفل شاتو) را قطع نموده و سپس خیابانهای قوام السلطنه و کوچه های مسعود و گوهرشاد را قطع کرده و خیابان شاهزاد ۲۰ متری شرق گوهرشاد قطع می کرد و کوچه شیرانی را در اواخر آن قطع نموده و ولود بانک ملی شده و سپس در ۵۰ متری غرب خیابان فردوسی، از بانک خارج شده، کوچه فروشگاه را قطع کرده و سوم اسفند را در ۴۰ متری فردوسی قطع می نمود و از زیر منازل گذشته، وارد پیاده رو ایرامی شود و در مقابل خیابان حافظ، به طرف شرق خیابان فردوسی (پیاده رو) ادامه یافته، مستقیماً تا میدان سپه، امتداد یافته و از زیر حوض غربی گذشته، از زیر در وسط وزارت پست و تلگراف گذشته، وارد حیاط ورزش دارالفنون شده، دو شعبه می شود.

یک شعبه آن خیابان، آذر را قطع کرده و در وزارت دارائی آفتابی شده، به قصر گلستان می رود و شعبه دیگر، وارد خیابان ناصر خسرو شده (پیاده رو غربی) به طرف جنوب، منحرف شده (در مقابل خیابان آذریه عمق ۴ متر) و در پیاده رو مقابل شمس العمارة، به عمق یک متر آفتابی گشته و اراضی پائین آن قسمت و مروی را مشروب می کند. بده آن، در حدود ۶۵ سنگ است. (۷۱)

اعتماد السلطنه نیز، درباره این فنات (مهرگرد) نوشته است: «فنات مهرگرد، که در ارگ، جاری دهه آن، در عمارت معروف به سرچشمه است، متعلق به قلعه مهران و خینی آباد بود. گرد، در لغت به معنی آباد، به کار می رفته است». (۷۲)

احاشیه محل مهر ظهر ورقه صدر اعظم دولت علیه ایران، عمادالدوله میرزا آقاخان (۷۴)، صحیح است.

هو العزیز شانه، آنکه منظور نظر همایون و مکتون و ای معدلت مقرون با اشاعه رسوم احسان و خیرات و اضافه آثار ثوابات و میراتست، سبحانه مکرمت و نوال ملوکانه، چندانکه بر ساحت امان نام شر فیضان آمد و عیون مرحمت و انفصال خسروانه، بر افطاح امید خلائق هر آنچه در جریان باشد، به حکم تاسی بر صفات خاصان عبثه قدس خداوندی، آن غیر کثیر را در نظر همت شاهانه، اندکی و بسیر پنداریم و ناچیز و حقیر شماریم و باز نظر همت بر آن گماریم که به احسان اکتفا و اتم و انعام اجمل و اهم، قلوب نامس را مستمال کنیم و تفضلات ذات اقدس همایون را، به پایه کمال رسانیم، اگر چه اوقات فرخنده سمات و ساعات میمنت آیات همایون را، نظر به ادای تکلیف الهی و ازای شکر نعم نامتناهی، در اصلاح احوال انام و عباد و انجاح امان سکته و امصار و بلاد عموماً و ساکنین دار الخلافه الباهره خصوصاً معسوف می فرمائیم و رفاه و راحت آنها را، که و دایع حضرت آفرید گارند، مقدم بر همه کار می داریم، اما از آنجا که مضمون الاسراف فی الخیره، به منابه و لاخیر فی الاسراف، دائماً مطمح نظر اقدس همایونست، نمی خواهیم که در اعمال نیک، عرصه همت ما متنگ باشد و در یک مرحله، درنگ ننماید و چون اغلب معاش و آداب دین مسلمین، موط به کفایت آب و این وسیله، بهترین اسباب وصول ثوابت و فوات قدیمه دار الخلافه، با کثرت و فراوانی آست، هر یک از آنها، نظر به تزاید نفوس ناس و تضاعف آبادی و اساسی و احداث مساجد و مدارس و حمامات و عمارات جدید البنیان، چنانکه باید، کفایت برای رفع حوائج مسلمین، خاصه اهالی محلاتی که از منابع قنوات و مجاری میاه، قدری دور دست افتاده اند، نداشت، لهذا در این ایوان خجسته نشان، قنات جدیدی مسمی به ناصریه دولتخانه را، به حکم جدید همایون خسروانی، از جانب غربی در الخلافه احداث و اجرا شده و بحمد الله تعالی، آبش به حد کثرت و وفور رسیده بود، محض آسایش و رفاه مردم، به موجب همین فرمان واجب الاذعان همایون، بعد از گردش عمارات مبارکه پادشاهی، بدین موجب وقف مساجد و مدارس و حمامات و محلات شهر فرمودیم که از یابت هفت شبانه روز آب قنات مزبوره، که عبارت از چهارده طاق باشد، دو شبانه روز به مسجد و مدرسه جدید البنیان، که به اهتمام جناب فضایل نصاب، شیخ المشایخ العظام، قدوه العلماء الکرام، مجتهد الزمان، شیخ عبدالحمین، سلمه الله تعالی، به اتمام رسیده، و حمام جدید البنیان جناب فخرت نصاب فدوی زاده، خاص دولت جاوید قرار مقرب دربار گردون مدار، تخصص دویم دولت علیه، نظام الملک میرزا کاظم خان، واقعه در آن حوالی و باقی بیوات اغنیا و فقرای مسلمین ساکنین آن محله، که موسوم به محله بازار و گذر ملک آباد و عباس آباد است، به تولیت و امانت شیخ سابق الالقاب و بعد از ایشان، به تولیت هر یک از اعلم علمای عصر، که در محله مزبوره ساکن باشند، و به تقسیم و توزیع عادلانه ایشان جاری شود و یک شبانه روز دیگر، به مسجد جامع و بیوات اغنیا و فقرای واقعه در حوالی آن و خانه مقرب الخاقان، فرخ خان امین الملک و سایر بیوات مسلمین آن گذر، که مسمی به کوچه غریبان است، به تولیت جناب فضایل و قواضیل نصاب، عمده العلماء العظام، شیخ رفقا و بعد از ایشان، به تولیت عالیجناب فضایل نصاب، شیخ محمد معروف به آقا بزرگ، برادرزاده ایشان و همچنین، کسی از علمای عصر، که امامت مسجد جامع یا او باشد، با عدالت تقسیم و جاری گردد و یک شبانه روز، به توسط و تولیت جناب فضایل و کمالات اکتساب عمده العلماء العظام، حاجی ملا علی کنی، سلمه الله تعالی، به گذر موسوم به هفت تن و بعد از ایشان، به تولیت اعلم علمای وقت، که در آن گذر، ساکن و پیشوای دین مسلمین باشد، فراخور حال و ضرورت مردم، تقسیم عادلانه شود و یک شبانه روز دیگر هم، به توسط و تولیت جناب فضایل نصاب، عمده العلماء الاعلام، فقیر السادات الکرام، آقا سید صادق مجتهد طباطبائی و استحضار مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله، به مساجد و خانه های مسلمین محله سنگلیج عموماً و خانه مقرب الخاقان، خصوصاً جاری شود و بعد از ایشان، اختیار تولیت، با اعلم و اتمی علمای عصر، که ساکن محله مزبوره بوده باشد، دو شبانه روز باقی از جمله هفت شبانه روز، مخصوص خانه های (۷۵) سکنه ارگ مبارکه سلطانی و باغات مبارکه پادشاهی و مریضخانه دولتی باشد و به حکم اعلیحضرت سلطان عصر و صوایدید پیشکاران دربار پادشاهی، به اهالی ارگ و مریضخانه و باغات دولتی واقعه در خارج شهر، تقسیم شود، نظر بر اینکه مقصود از این عمل ثواب و کار با صواب، انتفاع عموم خلق و استمرار ثوابات و خیراتست، که الی الابد، بعون الله تعالی، عاید روزگار فرخنده آثار همایون ما شود، صیغه صحیحه شرعیه ملیه اسلامیة مشتمله، علی کافه شرایطها، در محضر حاکم شرع شریف نبوی، علیه و آله الصلوٰة والسلام، به تفصیلات مقرر و مشروحه، جاری و واقع گردید و تولیت کل راه، بر عهده اعلیحضرت سلطان عصر قرار دادیم و آب قنات مزبوره را، سوای مصارف مقرر و مشروحه، از زیارات و باغات و اراضی به طور تحریم ابدی شرعی، یکلی ممنوع فرمودیم و مقرر می نمائیم که ولات عهد و اخلاف خجسته اوصاف، سلسله جلیله سلطنت عظمی و سلاطین باتمکین عهود متقبله، که به خواست خداوند یگانه، رفق و وفق جهاندار، به فیض اقتدارشان قرار خواهد گرفت، این احسان ابدی را، به شرایط و تفصیلات مقرر، مستدام و خود را در حضرت قدس خداوندی و به نزد خلائق، روسفید و نیکنام دارند و اجزای آن را، به هیچ تحریف و تفسیر، به عنوان نعمت بوده، بر عهده خود واجب و لازم و باعث مرضات الهی و خوشنودی (۷۶) حضرت رسالت بنهای اص «شمارند و از تبعات خلاف آن، در دنیا و آخری، احتراز و اجتناب نمایند، مقرر آنکه علمای اعلام و فضلالی ذوی العز و الاحترام و اساطین دین مبین و ناشرین آثار شرع حضرت سید المرسلین، علیه و آله، الف الف التحیه الی یوم الدین و حکام و عمال و کلاتر و کدخدایان دار الخلافه طهران، از شرح فرمان واجب الاذعان همایون، شروع و نسخ جداگانه مطابق لاصیل، برداشته، در خانواده خود ضبط و صیانت نمایند که خود و اخلاف آتی، از طبقات علمای اعلام و حکام و عمال و کدخدایان سعادت فرجام، خلفاً بعد خلف، الی ماشاء الله تعالی، رجوع به شروع مطبوعه مزبوره نموده، به مقتضای آن، معصوم و مرتب دارند، تا انشاء الله تعالی، دست تصاریف از تحریف آن مدعی الدهور، کوتاه آید و مردم، در آسایش و رفاه باشند، المقرر عالیجاهان رفیع جایگاهان مجددت و نجدت همراهمان فخرت و مناعت اکتسابیان خیریت فرجام عطار د ا قلام دفترخانه مبارکه که شرح فرمان مهر لعمان همایون را، در دفاتر خود مفضلاً و مشروحاتاً ثبت و ضبط نموده، از شائبه تغییر و تبدل، مصون و محروس داشته، در عهده شناسند.

حرر فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۷۳ (۱۸۵۷)



صورت تسمیةنامه هفتگی آب شاه، به امضای علما و معاریف عصر منظور نظر، قنات ناصریه دولخانه است؛ چون سرکار اعلیحضرت قدر قدرت فوشوکت قضا مهابت فریدون حشمت گردون صولت افراسیاب صلاحیت جمشید سطوت دارا دربان ملایک پاسبان سکندرشان مشهوری خدم ستاره حشم کیخسرو و نسیم شاهنشاه جمجاه اسلامیان پناه عدالت گستر، السلطان بن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان، سلطان الیرین و خاقان البحرین، ناصرالدین شاه قاجار، امام الله عمره و خلدالله ملکه و سلطنته، یک رشته قنات، موسوم به قنات ناصریه؛ از قرار فرمان مهر لمعان مبارک، به جهت آسایش اهل دارالخلافه طهران صیانتها الله تعالی عن الخلدتان، وقف بر مساجد و حمام و محلات و خانه های سکنه شهر فرموده اند و از قرار تفصیل:

شب یکشنبه و روز یکشنبه؛ مسجد و مدرسه جناب شریعتمدار،
 مجتهد الیربانی، شیخ عبدالحسین، سلمه الله، و حمام نظام الملک
 و گذر ملک آباد؛ محل مهر (پامحمد)
 شب چهارشنبه و روز چهارشنبه؛ جناب شیخ المشایخ،
 سلطان العلماء، شیخ رضا، سلمه الله، و جناب جلالتماب،
 امین الدوله و سکنه کوچه غریبان؛
 محل مهر (یاسر یحیی الرضا اغقر لمن لایملک الا الذعا)
 شب جمعه و روز جمعه؛ جناب آقای قدوه المحققین
 وزیده الفقهاء و المجتهدین، آقا سید صادق طباطبائی، سلمه الله
 و خانه عالیجاه، حاجی علی خان و محله سنگلیج؛
 محل مهر (آقای سید صادق الطباطبائی)

شب شنبه و روز شنبه؛ عمارات مبارکه و سکنه ارگ
 سلطانی؛ شب پنجشنبه و روز سه شنبه؛ باغ شاهی و
 قورخانه و جبه خانه مبارکه؛
 شب سه شنبه و روز پنجشنبه؛ محله عباس آباد و توابع آن؛
 محل مهر (الراجحی الی الله، ابن محمد علی)

شب دوشنبه و روز دوشنبه؛ خانه جناب فخر المجتهدین،
 حاجی ملا علی کنی، سلمه الله، و گذر هفت تن؛
 محل مهر (المحتاج الی الله، الفتی علی)

هر یک از محلات و مساجد و خانه های شهر، آب برده و مشروب شده و دهابه دوام دولت ابد مدت قاهره نمایند. بناً علیها، عالیجاه، حاجی آقا جان، نایب
 فراشخانه مبارکه، که از قرار فرمان لازم الادغان مبارک، میراب و متصلی رسانیدن آب قنات مزبور و محلات دارالخلافه طهران می باشد مطابق فرمان جهانمطاع

مبارک، گردش شبانه روز رادنشته باریش سفیدان محلات، شبانه روز آن را از فرار فرمان مبارک و وقفنامه صحیحه شرعیه، به اسم و رسم، معین و مشخص نموده، هر یک از اهل محلات دارالخلافه، روز و شب نوبت و تقسیم آب خود را دانسته، اهل هر گذر و محله و محلات دارالخلافه، هنگام نوبت خود، به تقسیم آب برده، خانه های خود را مشروب نموده، در کمال آسودگی، مشغول دعاگویی دوام دولت گردون صولت قاهره باشند و افراط و تفریطی در تقسیم بردن آب به هم نرسد. امید چنان است که علمای اعلام و فقهای ذواتمجده و الاحترام دارالخلافه، این ذریعه و رجوع به فرمان مبارک و وقفنامه نموده، چنانچه خلافی ندارد، به مهر شریف خود مزین فرمایند که هر یک از اهل محله، یکی از این نسخه ها را نگاه داشته، از آن قرار آب ببرند.

تحریر آملی دوازدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۷۳ (۷۸)

محل مهر (عبده آفاجان)

«مهر حواشی»

از فراری که در متن مرقوم گردیده است، این نعمت عظمی، به اهل محلات دارالخلافه، از قرار تفصیل و رقه، عنایت گردیده. محل مهر (عبده رجبعلی) به اطلاع بندگان درگاه، از قرار تفصیل متن، قرار نوبت آب مزبور، معین و مشخص گردیده. حرره. محل مهر (یارفیع الدرجات)، (الراجی زین العابدین) مضمون تقسیم آب، صحیح است. محل مهر (حسن)
خانه زاد دولت گردون سلطنت قاهره، در تشخیص و تقسیم شبانه روز آب قنوات حضور داشته، مطابق فرمان جهانمطاع است. شهر ربیع الاول ۱۲۷۶. محل مهر (عبده راجی الحسینی)

به اطلاع اقل السادات، قرار نوبت آب قنوات ناصریه و تشخیص شبانه روز، مطابق فرمان جهانمطاع، به اسم و رسم معین شده است. شهر ربیع الاول ۱۲۷۶. محل مهر (مرتضی الحسینی)

از قرار شروع مفصله متن، احقر السادات، حرره. محل مهر (عبدالغفور الحسینی)
بسم الله الرحمن الرحيم
صفحات مرقومه یازدهگانه، که ماخوذ از اصل وقفنامه و تقسیمنامه است. مقابله شد. مطابق با اصل آنهاست. حرره الاحقر التجانی الحاج شیخ جمال الدین النجفی الاصفهانی، عفی عنه، ۵ محرم ۱۳۴۷ ق. [مهر]
بسم الله الرحمن الرحيم
که نقل از متن وقفنامه و تقسیم نامه شده است، با اصل ملحوظ تطبیق شد؛ حرفاً به حرف مطابق است. الاحقر محمدالموسوی البهبهانی، عفی عنه، محرم الحرام [مهر]

صورت مستخرجه از تقسیمنامه آب شاه [در متن، قنات ناصریه] در ایام هفته

شب شنبه روز شنبه:	سکنه ارگ و عمارات دولتی ارگ (از این شب شنبه، به سیدناصرالدین و قورخانه کهنه، حق آب داده شده، از سهم عمارات سلطنتی، به موجب فرمان.)
شب یکشنبه روز یکشنبه:	مسجد و مدرسه مرحوم شیخ عبدالحسین و حمام نظام الملک و گذر ملک آباد؛
شب دوشنبه روز دوشنبه:	گذر هفت تن و خانه حاجی ملاعلی؛
شب سه شنبه:	محله عباس آباد و نواح آن؛
روز سه شنبه، باغ شاهی	و قورخانه و جبه خانه مبارکه؛
شب چهارشنبه و روز چهارشنبه:	مسجد جامع و بیوتات حوالی آن و خانه های فرخ خان امین الدوله و بیوتات گذر کوجه غریبان؛
شب پنجشنبه:	محله کوجه غریبان، به موجب فرمان، علیحده از سهم عمارات سلطنتی؛
روز پنجشنبه:	محله عباس آباد؛
شب جمعه و روز جمعه:	محله سنگلج و خانه حاج علیخان؛

تقسیم آب قنات مهر کرد در ایام هفته

شب شنبه:	محله عودلاجان؛
روز شنبه:	خانه آقای مستوفی المسالک؛
شب یکشنبه:	کوجه باغ ایلچی؛
روز یکشنبه:	خانه های معتمدالدوله و گذر هفت تن؛
شب دوشنبه روز دوشنبه:	محله عودلاجان؛
شب سه شنبه:	محله عودلاجان؛
روز سه شنبه:	عباس آباد، در کوجه های حمام چال و خانه زنبور کچی باشی؛
شب چهارشنبه:	محله عودلاجان؛
روز چهارشنبه:	محله عودلاجان؛

شب پنجشنبه: محله عردلاجان؛
 روز پنجشنبه: محله عباس آباد؛
 شب جمعه: محله کویچه غریبان؛
 روز جمعه: خانه حسام السلطنه و گذر نوروزخان.

کتابخانه عبد میرزا حسن زین خط
 در مطبوعه اسناد طبع سلیم، حاج عبدالرحیم، به طبع رسید. ۱۳۰۶ ه. ش.

لایروبی قنات ناصریه و مهرگرد

هر چند مدت، فنانها، به علت و علل مختلف (افتادن مسیل در قنات، آبگرفتنی، مسدود شدن آبراه، بارش کیم و...) نیاز به تقیه پیدا می کردند که دو قنات ذکر شده نیز، مستثنی از این موضوع نبود. در این باره نیز، در خاطرات و اسناد صورتحسابهای لایروبی، مطالبی به میان آمده است. از جمله اعتماد السلطنه، نوشته است: سه شنبه ۸ شعبان ۱۲۶۳ ق.، دو ساعت به غروب مانده، سیلی از کوهستان جاری و از قنات سنگلج، داخل محله سنگلج گردید (۷۹) و بصیر الملک شیبانی، در ذیل خاطرات خود، در روز ۱۶ صفر ۱۲۰۶ ق.، نوشته است: امروز فراش امین الملکه آمدند تقیه در خانه. توی باغ حاجی میرزا حسین و سایر مفتی باشی و نایب معمود میراب، کنار خیابان نشسته بودند. صدا کردند، رفتم آنجا. تصدیق در باب کمی آب قنات باقی مانده نوشته بود. حاجی میرزا حسین، می خواند. فدای بر آن افزودم، مهر کردم. سایرین هم مهر کردند. رفتم پیش امین الملک، تصدیق مرا که صبح نوشته و مهر گرفته و فرستاده بودم. ضبط نمودند و تصدیقی که به مهر همه بود، دادند به حسامعلی خان سرتیب. معلوم شد فراش را هم، میرزا امجدخان فرستاده بود... (۸۰) و بخاطر آنکه در آن زمان، لایروبی شده باشد یا خیر، اطلاعی در دست نیست. لیکن باز دیگر، آب دو قنات ناصریه و مهرگرد، کاهش یافت که در ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۵ ق.، مخارج تقیه دو قنات مذکور، دو هزار و چهارصد و پنجاه و سه تومان و دو قران برآورد شده بود که به موجب دستخط شاه، مقرر شد وجه آن را برپا داشت نعوذ و تسریع در تقیه آن انجام گیرد. صورت اسناد خرج و تفصیل آن، از قرار زیر بوده است:

۱۹ ذی الحجه ۱۳۲۵

هو. قدایت شوم. به موجب یک طغرا صورت مخلوظ، دو هزار و چهارصد و پنجاه و سه تومان و دو هزار مخارج تقیه قنات ناصریه و مهرگرد را، برآورد کرده و در صدر آن، به موجب دستخط آفتاب طلعت انجمن نقطه بندگان اعلی حضرت قنات قدرت اقدس همایون شاهنشاهی، مقرر شده بود که وجه آن، زودتر داده و شروع به کار کردن قنات مزبوره بشود. چون راجع به وزارت خزانة قنات عامه است، تفصیل مطلب و مدلول مقررات، ملوکانه، بار و اجناساده را، خدمت جناب مستطاب عالی ابلاغ نمود که زودتر امر قدر قنات مبارک، راه به موقع اجرا بگذارید، زیاده ندارم.

صورت حساب

برآورد کاری که در قنات مبارکه ناصریه و قنات مبارکه مهرگرد، بنا به شش حساب القرموده بندگان حضرت مستطاب اجل امجد اکرم انجم، آقای حاجب الذیونه (۸۱) دام اجلا نه العالی، بجا کرد، به جهت رسیدگی و تقیه این قنات، در وقت ملاحظه نموده، به تاریخ شهر ذیحجه الحرام قوی ثیل ۱۳۲۵ ق.

دو هزار و چهارصد و پنجاه و دو تومان و دو قران

از بابت قنات مبارکه ناصری: هزار و چهارصد و پنجاه و دو تومان

دویست و نه تومان و چهار قران

از بابت توی شهر، به جهت تقیه ۳۷ چرخ، چهار نفری، یک هزار و چهارصد و پنجاه و دو تومان

از لب منبع الی اصطبل توپخانه ۵ لیه مقرر، چهار چرخ

از اصطبل توپخانه الی آخر قزاقخانه ۳ لیه مقرر، دو چرخ

از خیابان لب میدان مشق الی دم خانه قزاق باشی، ۳ لیه مقرر، یک چرخ

از چهارراه قزاقباشی الی دم خیابان مخصوص ۲ لیه مقرر، یک چرخ

از دم خیابان مخصوص الی دم باغ حسن آباد ۵ لیه مقرر، دو چرخ

از دم باغ حسن آباد الی دم خاکریز خندق ۵ لیه مقرر، بیست و یک چرخ

چهل و چهار تومان و چهار قران

از بابت خارج شهر، از خاک زبر خندق الی بی کار ضرابی

چهار نفری: ۱۰۰ چرخ، یک تومان و دو قران = ۱۲۰ تومان

۱۶۵ تومان

پنج نفری، ۳۰ چرخ، یک تومان و پنج قران = ۴۵ تومان

هزار و دویست و چهل و دو تومان و سه قران

از بابت مسدود نمودن راه آبهای ۴۲ مکان

از لب منبع الی اصطبل توپخانه ۲ مکان مقرر

از اصطبل ایضا الی دم قزاقخانه یک مکان مقرر

از لب خیابان قزاقخانه الی چهارراه قزاق باشی ۷ مکان مقرر
از چهارراه ایضا الی خیابان مخصوص ۱۵ مکان مقرر
از خیابان مخصوص الی دم باغ حسن آباد ۷ مکان مقرر
از دم باغ حسن آباد الی چهارراه شیخ هادی ۷ مکان مقرر
از چهارراه به بالا ۳ مکان مقرر
ندارد

صد و هفده تومان و شش و فران

مکالی (۸۳) دو تومان و هشت قران

آجر ۱۵۰ عدد، ۹ قران

آهک ۵۰ دلو، یک تومان

خاک ۱۰ از قرار خروار، ۳۰۰ دینار، ۳۰۰۰ دینار

صمغ دو نفر، ۴ قران، نصف دو قران

از بیست و نه (۸۴) و غیره

هزار و صد و بیست و پنج تومان

پنجاه و نه به جهت رفع چال آب عقب قنات، چون قنات محاذی قنات متغیری است، بسیار لازم است ۸۰۰ ذرع عمق در علم، یک تومان و دو قران = ۹۶۰ تومان

مخارج کهنه کشی الی بی کار پنج نفری، ۱۱۰ چرخ از قرار یک تومان و پنج قران = ۱۶۵ قران

قنات مبارکه مهر گرد

هزار تومان و دو قران

سیصد و دو تومان و دو قران

از بابت نوری شهر، از میدان توپخانه الی خاک زیر خندق لایروبی

۶ لیه مقرر ۱۳۰ چرخ = ۴ نفری، از قرار یک تومان و دو قران = ۱۵۶ تومان

از بابت خارج شهر، از خندق به بالا گل کشی و سنگ چین سرچاهها، به انضمام درب چاه گیری

۱۱۶ چرخ مقرر ۱۵۴ تومان و دو قران.

چهار نفری ۶۶ چرخ، از قرار یک تومان و دو قران = ۷۹ تومان و دو قران

پنج نفری ۵۰ چرخ، از قرار یک تومان و پنج قران = ۷۵ تومان

۶۹۰ تومان

از بابت مسجود نمودن راه آبهای ۳۰ مکان

از خانه حکیم الملک الی خانه نقد علی خان از محل ایضا الی لب میدان توپخانه از میدان توپخانه الی لب خندق

۶ مکان مقرر ۷ مکان مقرر ۱۷ مکان

مکالی

دو تومان ۸ قران

آجر، ۱۵۰ عدد = ۲ قران آهک، ۵۶ من = یک تومان

خاک، ۲۰ خروار = ۳ قران بنا، ۲ نفر = ۷ قران

صمغ، دو نفر = ۴ قران

از بیست و نه

۶۰۶ تومان

پنجاه و نه به جهت رفع چال آب عقب قنات ۶۰۰ ذرع عمق یک ذراع، از قرار ۷ قران، ۳۲۰ تومان.

کهنه کشی الی بی کار ۱۳۲ چرخ، از قرار یک تومان و پنج قران، ۱۸۶ تومان.

انجاشبه که کارهای قلمدادی فوق، از قراری که به نظر چاکوز سرگاه رسیده، صحیح است. فی شهر فوق ۶۳۲۵، ۶۳۲۵، امهره

این مخارج را بدهند که زودتر این دو قنات، تنقیه شوند.

جناب وزیر مالیه

جزوه وزارت فوائد است.

امضا: محمد علی شاه

پس نوشتها:

سانیتور و ارتفاع ده سانتیمتر در نایب، جاری شود. سنگ دیوایی، مقیاسی است. برای آب و آن، به اجرخ تقسیم می شود و سنگ دیوایی را یک سنگ آسیاب گرانیت حساب می کنند.

۱. محمد علی آقبر: لغتنامه، ج ۸، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۶. ص ۳۷۹.

۲. گویانام دیگر قنات الهیه، قنات امین الدوله است. اعتماد السلطنه، محمد حسن، چاپ سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه القاجار و الاثار، همان، ص ۵۹۳.

۳. آب تهران، مقدمه علامه علی مکیده، یادبود افتتاح نامیسات آب تهران، چاپ آبان، تهران، ۱۳۳۴. ص ۴۴.

۴. باغ صبا، از ساخته های فخر علی خان صبا، در جنوب غربی قصر قاجار است و بیشتر از توسعه تهران، در فاصله دو کیلومتری آن، در کنار جاده قدیم شمیران واقع بود.

۵. نجفی، ناصر، دارالخلافه طهران در یکصد سال پیش، همان، صص ۹۵-۹۶.

۶. امجدیه: این محل، اکنون در مرکز شهر تهران قرار گرفته و در سابق، باغ بواری بوده که در شمال شرقی تهران قبل از توسعه و گسترش، واقع بوده است.

۷. نجفی، ناصر، دارالخلافه طهران در یکصد سال پیش، همان، ص ۱۹۵.

۸. مظهر: محلی است که آب از کوره فات خارج می شود.

۹. (سرمد مرغی، همان، ص ۱۸۲).

۱۰. آب تهران، همان، ص ۳۴.

۱۱. همان، ص ۳۴.

۱۲. شاپور، فتح الله، لوله کشی آب طهران، فصلنامه گنجینه، دفتر دوم زمستان ۱۳۶۸. ص ۱۶۵.

۱۳. آب تهران، همان، ص ۳۴.

۱۴. همان، ص ۲۵.

۱۵. حلاله باصورت آباد، در عصر قاجار به ایجاد گردیده و این همان منطقه وسیعی است، که امروزه، پارک لاله در آن قرار گرفته است. حلالیه، در شمال غربی تهران یک قرن پیش، قرار داشت و مدتی مرکز ساکن و روزه سهاپیان پادگان مرکز بود، در کتاب المان و الاثار، در باره حلالیه، چنین آمده است: حلالیه، که منصوب به لقب شریف نواب اشرف، شاهزاده جلال الدوله (پسر ظل السلطان) است. بر کوشکی شگرف و پیاپی جوان رشک و روضه رضوان، اشتمال دارد.

۱۶. نام صورت آباد برای این محل، در روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه به این قرار ضبط گردیده: «مهرور شاه ناصرالدین شاه، در عمارت حلالیه، که صورت آباد قدیم است. همان ظل السلطان هستند. این عمارت، در وسط باغی است. بلافاصله خندق شهر، طرف شمال غربی تهران، البته شاهزاده، بجاده هزار تومان مخارج آنجا کرده...»

۱۷. (نجفی، ناصر، دارالخلافه طهران در یکصد سال پیش، همان، ص ۱۶۷).

۱۸. امیر آباد، امیر کبیر آباد، امیر آباد، که سابقاً منطقه وسیع و بزرگی بوده، در شمال غربی تهران قرار داشته است. این محل، سابق بر این، روستایی مستقل بوده و در فاصله پنج کیلومتری شمال غربی تهران، واقع بوده است.

۱۹. بنای نخستین امیر آباد را، به میرزا آقاسی خان امیر کبیر نسبت می دهند. چنانچه در کتاب المان و الاثار آمده است: «امیر آباد، از مستحدثات مرحوم امیر کبیر، است. نامش منظم و واقع در ظاهر دارالخلافه طهران است.»

۲۰. (نجفی، ناصر، دارالخلافه طهران در یکصد سال پیش، همان، ص ۱۶۵).

۲۱. آب تهران، همان، ص ۴۵.

۲۲. نجفی، ناصر، دارالخلافه طهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۶. چاپ چهارم، ص ۱۶۵.

۲۳. کشاورز، فتح الله، همان، ص ۱۶۵.

۲۴. محمد حسین خان قاجار قزوینی، مشهور به سردار ایروانی، در حدود سال ۱۱۵۵. اتی. متولد شد. زمانی که فتحعلی شاه حکمران فارس بود، وی، یوزباشی غلامان خاصه بود.

۲۵. در سال ۱۱۱۲. در ماجرای به نخت نشین فتحعلی شاه و نزاع بر سر حکومت، وی، سر کرده سپاه او بود. در سال ۱۱۲۷. حکومت نیشابور و سرداری خراسان بر عهده او گذاشته شد. در سال ۱۱۳۱. به تهران اعزام شد و به سرداری و سپهسالاری از تقاضای وی، به سرداری ایروان منصوب شد. وی، در جنگهای پیاپی میان روس و ایران، سال ۱۱۴۳. به همراه برادرش، محمد حسن خان مستوفی نزاع با روسها، بود و رشدهای، سیل از خود نشان داد. او، مجدداً تا سال ۱۱۶۵. اتی. حکومت خراسان را بر عهده داشت. پس از آن، به ریاست ایل بختیاری تعیین شد. امانت همین سال، در سی ۹۱. سانگی در گذشت.

۲۶. محمد حسن خان سردار، مقلب به ساری اسلان و معروف به باباخان، در بیشتر مسئولیتهاش در خراسان و نیز در جنگهای روس و ایران، به همراه برادر بود. در سال ۱۱۴۳. که ایران، پس از چهار ماه محاصره، به دست روسها افتاد. پس از پلغاری بسیار، به دست روسها اسیر و به تقیلس فرستاده شد. وی، پس از عهدنامه ترکمنچای، آزاد و

۱. قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۲۰.

۲. سردی، محمد تقی: پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر، ج دوم، انتشارات سردی، تهران، ۱۳۷۸. ص ۳۷۶.

۳. همان، ص ۳۱۹.

۴. جلیلود، علی اکبر: «چگونگی آب مشروب بابتخت در دوران قاجار به» مجله و حید، شماره ۲۱۹. اول تا ۳۰ آبان ۱۳۵۶. ص ۲۸.

۵. مجله آب، افتتاح تصفیه خانه، لوله کشی آب تهران، دوره دوم، ش دوم (دوباره ۱۳۳۴. ص ۶).

۶. حاج میرزا عباس یاملا عباس ایروانی، متخصص به فخری و معروف به حاج میرزا آقاسی، پس از حاج میرزا سلیم ایروانی، مدت چهارده سال، صدر اعظم محمد شاه قاجار بود و مردم در غیابش، او را حاجی یا حاجی آقای می گفتند. در جلد سوم منظم ناصر، راجع به دارائی و املاک وی، نوشته است که وی، در سال ۱۲۶۳. هزار و چهارصد و سی و هشت قریه هائی که حاج میرزا آقاسی خود ایجاد کرده بود و تقریباً دو کرور قیمت داشت، به شخص همایون شهر بازی غازی، هبه و پیشکش نمود.

۷. بیشتر خالصجات مرغوب اهلیات تهران، املاک شخصی حاج میرزا آقاسی بوده است.

۸. آقاسی، پس از فوت محمد شاه، به حضرت عبدالعظیم پناهنده شد و بیست نشست و در مدرسه جنب صحن، در حجره ای منزل کرده تا اینکه ناصرالدین شاه، از تبریز به تهران آمد و با اجازه او، روانه عینات گردید و یک سال بعد، در رمضان سال ۱۲۶۵. ق. در سن ۶۸ سالگی، در آنجا در گذشت.

۹. (بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، ج ۲، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۱. چاپ چهارم، صص ۲۰۳-۲۰۹).

۱۰. لاطر شد، در حال حاضر جزو تهران بزرگ می باشد. این ده، در زمان قاجار در محدوده تهران واقع شده بود و در فاصله ده کیلومتری جنوب شرقی کن قرار داشت. جمعیت آن، ۱۲۵۷ نفر ذکر گردیده، در بهار، از رودخانه کن مشروب می شود و از آنجا ناله، انجیر، صیفی و انواع میوه، به دست می دهد. (نجفی، ناصر، دارالخلافه طهران در یکصد سال پیش، انتشارات از عنوان، تهران، ۱۳۷۸. چاپ دوم، ص ۱۷۰).

۱۱. حقیقه یا بهر آب، حق استفاده از آب یک شهر طبیعی را می کنند. ولی بندریج به معنای آبی که به زمین مین از رودخانه یا چشمه یا از منبع آب دیگری تعلق می گرفت. اطلاق گردید. این حق مصرف مجاز، در دفاتر جمع و اسناد مالکیت یا احکام دادگاهها یا مدارک قانونی دیگر، در گذشته قید می شد.

۱۲. (سرمد، مرغی، حقوق آب، جلد دوم، چاپخانه کیهان، تهران، ۱۳۵۱. ص ۱۶۷).

۱۳. دو مین سالنامه احصائیه تهران، ص ۲۰.

۱۴. میرزا آقاسی نقرشی، معروف به وزیر، پس میرزا موسی (موتضای ۱۲۸۷. ق. باو شوهر خواهر میرزا یوسف مستوفی الممالک، پس از فوت پدرش، نایب الحکومه تهران شد که عنوانش، «وزارت تهران و پیشکار حکومت» بود. در سال ۱۲۸۳. که ناصرالدین شاه عازم خراسان شد، به پیشنهاد مستوفی الممالک، میرزا آقاسی، رسماً به سمت ریاست خالصجات و وزارت و پیشکاری کامران میرزا نایب السلطنه، منصوب گردید و از آن تاریخ، میرزا آقاسی، معروف به وزیر شده است. در سال ۱۲۸۳. ق. از این سمت عزل شد و در هشتم صفر ۱۳۰۹. ق. به ناخوشی و با عزت گذشت.

۱۵. (بامداد، مهدی، همان، صص ۵۱۴-۵۱۵).

۱۶. کتاب، مجید، فدایی از تهران قدیم، مجله خواندنیها، سال ۲۸، شماره ۸۹، از سه نشه ۱۲ شهریور تا نشه ۱۶ شهریور ۱۳۴۷. ص ۵۷.

۱۷. سردی، محمد تقی، همان، صص ۳۱۹-۳۲۰.

۱۸. اولیویه: سفرنامه اولیویه، ترجمه محمد ظاهر میرزا، به تصحیح غلامرضا وهرام، موسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۶۱. ص ۷۰.

۱۹. (بنجامین، اس. جی. دیلیو: ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه، ترجمه محمد حسین کر دیچه، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۹. چاپ دوم، ص ۶۱).

۲۰. نادرشاه، جان، بیست سال در ایران، ترجمه علی بیرویه انتشارات نوین، تهران، ۱۳۶۳. ص ۱۰۴.

۲۱. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه القاجار و الاثار، جلد اول، به کوشش ایرج افشار، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۳. ص ۱۲۴.

۲۲. سنگ: مقیاسی است برای آب و آن، عبارتست از مقدار معینی لیتر در هر نایب. توضیح: در تهران، یک سنگ آب، عبارتست از مقدار آبی که از شکافی به اندازه ۲۰ متر مربع (۷۵۲۸ فوت) و از قرار یک متر (۹۳۶۱ پا) در هر سه نایب جریان دارد.

۲۳. سنگ یا واحد بین المللی آب، عبارت از میزان آبی است که از یک دهانه به عرض ده

میرزا ابوالحسن خراسانی منصوب شد. در سال ۱۲۶۵ ق. به حکومت شهر یزد و پس از آن کرمان ۱۲۶۸ ق. حکومت کرمان و یلوچستان نیز بر قلمرو او افزوده شد. محمد حسن خان در سرانجام در سال ۱۲۷۱ ق. در کرمان درگذشت. این دو برادر، علاوه بر وقف قنات چرخان، دارالینهای دیگری را وقف کردند.

۱۲۷۰ ق. عمادالدین، هوقنامه موقوفات سرداران قزوینی در ایران، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال هشتم، بهار ۱۳۷۹ ق. صص ۶۲، ۶۳

۱۲۷۱ آب تهران، همان، ص ۲۵

۱۲۷۲ آب تهران، همان، صص ۲۵، ۲۶

۱۲۷۳ گویا همان قنات امین السلطان باشد!

۱۲۷۴ عمادالسلطنه، محمد حسن: چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه القاجار و الاثر، همان، ص ۶۹۳

۱۲۷۵ آب تهران، همان، ص ۲۶

۱۲۷۶ همان، ص ۲۶

۱۲۷۷ همان، ص ۲۶

۱۲۷۸ تبصر الملک شیانی، میرزا طاهر: روزنامه خاطرات بصیر الملک شیانی، ده کوشش تاریخ القمار و محمد رسول دریاگشت، انتشارات دینا، تهران ۱۳۷۳ ق. صص ۳، ۴

۱۲۷۹ عمادالسلطنه، محمد حسن: چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه القاجار و الاثر، همان، ص ۱۱۱

۱۲۸۰ آب تهران، همان، ص ۲۷

۱۲۸۱ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۲۸۲ عمادالسلطنه، محمد حسن: چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه القاجار و الاثر، همان، ص ۶۹۳

۱۲۸۳ آب تهران، همان، ص ۲۷

۱۲۸۴ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۲۸۵ آب تهران، همان، ص ۲۷

۱۲۸۶ همان، ص ۲۷

۱۲۸۷ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۲۸۸ همان، ص ۲۷

۱۲۸۹ تبصر الملک شیانی، میرزا طاهر، همان، ص ۲۶۸

۱۲۹۰ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۲۹۱ همان، ص ۲۷

۱۲۹۲ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۲۹۳ همان، ص ۲۷

۱۲۹۴ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۲۹۵ همان، ص ۲۷

۱۲۹۶ همان، ص ۲۷

۱۲۹۷ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۲۹۸ همان، ص ۲۷

۱۲۹۹ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۳۰۰ همان، ص ۲۷

۱۳۰۱ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۳۰۲ همان، ص ۲۷

۱۳۰۳ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۳۰۴ همان، ص ۲۷

۱۳۰۵ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۳۰۶ همان، ص ۲۷

۱۳۰۷ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۳۰۸ همان، ص ۲۷

۱۳۰۹ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۳۱۰ همان، ص ۲۷

۱۳۱۱ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۳۱۲ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۳۱۳ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

۱۳۱۴ سائور، فتح الله، همان، ص ۱۲۵

کوشش عبدالحمید توائی و میر هاشم منگدن، ج اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۷ ق. ص ۸۸۸

۱۳۴۴ مهرهای ناصرالدین شاه، در زمان وقف این قنات عبارتند از:

۱. مهر چهار گوش کلاهگذار یا منجم هفت، شاه شاهان مهرداد ۱۳۷۴. مهر فوق را، به کتابهای کتابخانه سلطنتی من زینند.

۲. مهر چهار گوش کلاهنگلو، به طرح ظفر یا مسجع القدر، الله، السلطان ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۷۶.

۳. مهر چهار گوش کلاهک دار به مسجع الملک الله، السلطان ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۸۳.

۴. تراستی، روضه مهرهای شاهان قاجار، مصنفه تاریخ معاصر ایران، سال پنجم، شماره ۷ (بهار ۱۳۸۱ ق.) صص ۱۷۲، ۱۷۳

۵. مرزا ناصر الله خان نوری، معروف به مرزا آقاخان و ملقب به اعتمادالدوله که پس از برکناری امیرکبیر، همواره اعظم ناصرالدین شاه شده و صدقات وی، از ۱۳۶۸ تا روز دوشنبه ۲۰ محرم ۱۳۷۵ ق. به مدت ۷ سال طول کشید.

۶. (نامداد، مهدی، همان، جلد ۴، صص ۳۶۳، ۳۷۹)

۷. اصل: مخاهاقی.

۸. اصل: خوشنودی.

۹. در این سال، هرات طبق معاهده پاریس، از ایران جدا شد.

۱۰. اصل: سنه ۱۳۷۶ ق. بانی قنات در سال ۱۳۷۳ ق. وقف گردید.

۱۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن، مرآت البلدان، همان، ص ۱۵۸

۱۲. تبصر الملک شیانی، میرزا طاهر، همان، ص ۲۶۸

۱۳. مصطفی خانی صاحب القبول، از معارف محمدعلی شاه و حاکم تهران بود.

۱۴. (هاقانی، باقر، روز شمار تاریخ ایران از مسروطه تا انقلاب اسلامی، ج اول، نشر گفتار، تهران، ۱۳۳۹ ق. صص ۲۷ و ۲۹)

۱۵. آلات کشی یا گل کشی: پاک کردن قنات از رسوبات را آلات کشی گویند و اما اگر هدفش گول کشی باشد، گول، حلقه یا کمر بندی سفالی یا سیمانی است که برای جلوگیری از فرسایش پدیده و سقف زمینهای شولاتی، به کار برده می شود.

۱۶. (شیرعد، هوشی، همان، ص ۱۸۲)

۱۷. مکانی پیموده، مستجدان آمل.

۱۸. (دهخدا، علی اکبر، همان، ج ۱۳، ص ۱۸۸۱)

۱۹. پیشه برداری، کفش کشی و کف برداری، قنات، به منظور رسیدن به سطح آبده را پیشه برداری گویند.

۲۰. (شیرعد، هوشی، همان، ص ۱۸۱)

۲۱. بافتگر از کلیه همکاران که امکان دستیابی به این استاندارد فراهم کردند.

برآمدگی وقت در که نیمه وقت بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود

در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود

در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود

در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود

در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود
در وقت ظهر بود که در وقت ظهر بود

سازمان اسنادی ایران
IRAN NATIONAL ARCHIVE

(۱۱)
تقریر دوم نامزدین
بر العزیز شاه

بیعت

آنکه نظر نظر باین کشور ایستاده است متوجه است که
دشمن و حاکمان و غیره است ایشان را در ثوابت و برترت حساب
دوئل هرگز اندیشه که بر راحت آمل نام در فضا آمد و چون
و اتصال شهر در انقطاع و بیخ نظایر بسته و خود در جریان باشد
نشی بر معنات غمناک حسرت قدس خداوندی آن جز کسیر از نظر شاه
آنکه بیسیر بنداریم و این نیز بر شماریم و باز نظر است بر آن که
که با حاکمان و اهل آرم و اندام اهل و ازم قریب نام استعمال کنیم و تقاضا
دانت نه پس بیاییم کمال و ما غم که بر او قنات فرخنده و به
و سعادت بیشتایات جهانیان نظیر آدمی بگفت این از آن

۲۷۳

نظم استغای در اصلاح احوال نام و چهار دو پنج آمل کند
و در آن سانسین از آنکه در آنجا بسته خصوصاً صورت
و در آن دور است آنجا که در آن حضرت آفرید کارند
بر کارید ارم از آنجا که در آن حضرت آفرید کارند
نشی که حراف و نام حراف و نام حراف و نام حراف
نست آنست باشد و در هر یک از آنست نماید و چون
در آداب این مسیله شود که نهایت آید از هر یک بهترین
و در این توانست و قنات قدیم دار آنکه با کثرت و فراوانی
بر کسان تا نظر نماید و قنات آنست که با کثرت و فراوانی
و در آن مساجد و مدارس و خانای و قنات جدید بسیار
خانگی باید که نهایت برای رخ و رنج مسیله خاصه مالی
از مسایع قنات و بخاری میاید قدری در دور است قنات